نکته

بازخوانی و بازاندیشی اندیشه جامعه باز «پوپر»

تمامی ریشه‌های جامعه بسته

قیصر کللی

■ ۱- میان آثار فلاسفه بزرگ و کوچک با ترجمه‌های گوناگون در جامعه ایران یک اثر و یک نقد فلسفی و سیاسی بسیار مهم وجود دارد که به‌تنهایی دارای این قابلیت و توانایی هست تا مخاطب خود را به سطحی مطلوب از آگاهی سیاسی و اجتماعی برساند. این اثر بسیار مهم «جامعه باز و دشمنان آن» از کارل ریموند پوپر است. پوپر در این کتاب چند فیلسوف بسیار بزرگ طول تاریخ را به نقد می‌گذارد و نه احساسی بلکه منطقی ثابت می‌کند که این چند فیلسوف دیکتاتوری و توتالیتاریسم را در نهاد تاریخ بشر تئوریزه و نهادینه می‌کنند. این فیلسوفان به‌ترتیب هراکلیتوس، افلاطون، ارسطو، هگل و مارکس هستند.

البته پوپر در مجموعه بزرگ دشمنانی که برای جامعه باز برمی‌شمارد یک دشمن را که شاید بزرگ‌تر از بقیه باشد معرفی نمی‌کند. و آن سقراط است که تمامی اهالی فلسفه در طول تاریخ از افلاطون و «آنتیس تن»۱ که نخستین شاگردان وی بوده‌اند تا اکنون همگی احساس سمپاتیک و فرزندخواندگی نسبت به او دارند. بر همین اساس در طول تاریخ نسبت به سقراط نقدی رک و صریح به انجام نرسیده و اگر جایی هم رویکردی نقادانه نسبت به او شده باشد بیشتر در قالب جمله‌هایی کوتاه و شعارگونه و نه بر اساس استدلال و منطق است. البته لازم می‌نماید در این جا خودانتقادی نیز بشود. چرا که نگارنده در کتاب «فرهنگ فلسفی و فلسفه سیاسی»۲ دچار این‌گونه تعصبات نسبت به سقراط شده‌ام.

کارل پوپر نیز از این قضیه مستثنا نیست و در کتاب «جامعه باز و دشمنان آن»با اینکه نقدی منطقی و صریح بر تمامی آن افرادی که دشمنان جامعه باز می‌خواندشان وارد می‌آورد اما نسبت به سقراط آن حس فرزندخواندگی‌اش غالب می‌شود و تمامی گناه را بر دوش افلاطون گذارده و سقراط را عاری از خطا می‌داند. اما به واقع چنین نیست و سقراط هم‌چنان نبود. ما باید از نقد شخص‌ها و شخصیت‌ها نهراسیم و باید با پتک پولادین بت‌ها را بکوبیم تا اگر به واقع تمثال زرین خدایان در وجودی نهفته باشد بر ما رخ بنمایاند.

پوپر در جامعه باز، افلاطون را هر چند بزرگ‌ترین شاگرد سقراط معرفی می‌کند اما او را بزرگ‌ترین خائن به سقراط هم می‌نامد. این پرسش مطرح می‌شود که چرا افلاطون در جامعه باز پوپر به عنوان یک خائن به سقراط معرفی می‌شود؟ پاسخ چنین است، در اندیشه کارل پوپر سقراط یکی از بزرگ‌ترین مدافعان جامعه باز و حامیان دموکراسی است و چون افلاطون که شاگرد سقراط است به دشمنی با جامعه باز بر می‌خیزد و کتاب‌های «جمهور» و «نوامیس»۳ را برای این منظور می‌نگارد، یک خائن به سقراط است. در این جا کارل پوپر اگر بداند و اینچنین از سقراط جانبداری کند پس دروغ می‌گوید و اگر نداند و این جانبداری‌ها را از سقراط ابراز می‌دارد، دچار تعصب شده است. در هر دو حال در اندیشه و کتاب پوپر سقراط است که پاک و مقدس با بال‌هایی زرین به جانب «المپ»۴ خدایان پر می‌گشاید.

بر اساس استدلال و علت‌هایی است که می‌پندارم پوپر هرچند جان کلام را نسبت به دیگران،که دشمنان جامعه باز می‌خواندشان، ادا می‌کند اما نسبت به سقراط اینچنین نیست. نخست اینکه باید به جد مد نظر داشته باشیم فلسفه‌ای که به نام افلاطون شناخته شده است «فلسفه سقراط افلاطونی» نیز خوانده می‌شود. چون هیچ‌گونه سند و معیار مطمئنی در اختیار نیست تا بر اساس آن اسناد و معیارها به تفکیک اندیشه و فلسفه افلاطون از اندیشه سقراط پرداخت. آن چنان سقراط و افلاطون به‌هم‌تنیده و در هم ادغام هستند که هیچ‌گونه خط و مرز مشخصی نمی‌توان میان اندیشه‌های آنها قرار داد. دوم، اگر سقراط خواستار و مدافع جامعه باز بود و افلاطون از این باور و خواسته سقراط انحراف و خیانت کرده بود، باید ارسطو به این موضوع می‌پرداخت. چرا که ارسطو از سویی منتقد فلسفه و آرای افلاطون است و از سوی دیگر به لحاظ زمانی بسیار به سقراط نزدیک است و فقط با سقراط به اندازه یک نسل فاصله دارد. اما همان‌گونه که اشاره شد بر اساس حس سمپاتیکی که اهالی فلسفه نسبت به سقراط دارند، به خصوص نوع مرگ تراژیک وی بر احساس سمپاتیک اهالی فلسفه دامن می‌زند و باعث می‌شود تا چشم بر برخی یا بسیاری از واقعیت‌های شخصیت و اندیشه سقراط ببندند.

ادامه دارد

پی‌نوشت

۱- آنتیس تن- شاگرد سقراط- بنیان‌گذار فلسفه سینیسم- در ایران سینیسم را با عنوان کلبیون می‌شناسند.

۲- فرهنگ فلسفی و فلسفه سیاسی- از نشر پایان.

۳- نوامیس- قوانین - حجیم‌ترین و آخرین کتان افلاطون- اما مهم‌ترین کتاب افلاطون جمهور است.

۴- المپ- یونانیان باستان بر این باور بودند که المپ محل زندگی و حکومت خدایان است.

عدالت به‌مثابه امکان یک باهم بودگی منصفانه

محمد محمدی‌آملی*

رالز اندیشمندی نئوکانتی به حساب می‌آید که از طریق بازسازی اصول اخلاقی کانت به دفاع از جامعه مدرنی می‌پردازد که در آن همه اعضا به‌عنوان شهروندانی آزاد و برابر سهمی منصفانه، البته نه لزوما برابر، از موقعیت‌ها و دارایی‌های یک کشور دارند. درواقع با قبول این اصل اخلاقی کانتی که هر فردی سزاوار آن است تا به شکلی برابر نسبت به افراد دیگر در یک جامعه سیاسی با وی رفتار شود، رالز سعی در تاسیس مجدد بنیان‌های اخلاقی چیدمان جامعه مدرنی را دارد که به لحاظ سیاسی نسبت به همه افراد عضو عادلانه و منصفانه به حساب بیاید. در این چارچوب اخلاقی، رالز عدالت را اولین فضیلت و مهم‌ترین کار ویژه هر ساخت و ساز اجتماعی به حساب می‌آورد، «قوانین و نهادهای مختلف بدون توجه به آنکه تا چه میزان کارآمد و خوب سازماندهی شده‌اند اگر ناعادلانه باشند،باید اصلاح و حتی ملغا شوند.»۱ درواقع ساخت مبنایی و بنیادی جامعه – شامل هر نهاد اجتماعی که نقشی در توزیع حقوق و وظایف بنیادی از جمله ارزش‌های اجتماعی دارد – موضوع و زیرمجموعه مفهوم عدالت قرار می‌گیرد. از این منظر عدالت بیش از آنکه مفهومی صرفا اخلاقی باشد که از تصور خاصی از خیر نشأت می‌گیرد، آن‌گونه که مذهب یا فلسفه اخلاق مدعی آن هستند، مفهومی است سیاسی که بر اساس آن حساسیت‌های اخلاقی بنیادگذاری شده که از طریق دادن حق برابر برای انتخاب مفهوم خیر به هر شهروند، چیدمان سیاسی-اجتماعی منصفانه‌ای از جامعه ارایه می‌کند.

به پیروی از سنت قرارداد اجتماعی در فلسفه سیاسی (که از هابز شروع می‌شود)، برای استخراج اصول عدالت، رالز از شهروندان یا نمایندگان‌شان می‌خواهد وارد یک وضعیت بی‌طرفانه و بی‌غرضانه شوند که وی از آن به‌عنوان «وضعیت آغازین» یاد می‌کند، وضعیتی که همه طرف‌های درگیر از موقعیتی برابر برخوردار می‌شوند. این برابری بنیادی با کمک مفهومی فرضی به دست می‌آید که رالز از آن به‌عنوان «پرده بی‌اطلاعی» یاد می‌کند، بدین معنی که برای آنکه طرف‌ها نسبت به منافع و علایق یکدیگر بی‌طرف و بی‌غرض شوند، آنها باید از بعضی از علایق و منافع‌شان چون دارایی، شأن و تفوق چشم‌پوشی کنند. افراد دخیل در وضعیت آغازین چون از حقوقی برابر در روال اداری و روندهای رسمی برخوردار هستند، توانایی آن را دارند که دست به انتخاب دو اصل بنیادین عدالت بزنند، دو اصلی که می‌شود بر مبنای آن برابری‌ها و نابرابری‌های دنیای واقعی را به شکلی منصفانه مرتب و ساختاربندی کرد. رالز دو اصل بنیادین عدالتش را به صورت زیر مقوله‌بندی می‌کند: «اول آنکه هر شخص از حق برابری در جهت استفاده از آزادی‌های اساسی برخوردار است و این در شرایطی است که اعمال این حق هماهنگ و سازگار شده است با استفاده همین حق به‌وسیله دیگران. دوم اینکه نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی باید به گونه‌ای سازماندهی و آرایش داده شود که هم (الف) به‌طور معقول و قابل انتظاری در جهت صرفه و دارای مزیت برای همه افراد جامعه باشد و هم (ب) موقعیت‌ها و مشاغل اداری باید برای همه به یک میزان قابل دستیابی باشد.»۲ بنابراین، مطابق با تعریف رالز از عدالت به‌عنوان منصفانه بودن، قوانین و مقرراتی که حقوق و تکالیف را مشخص می‌کنند، باید مبتنی بر دو اصل ذکرشده بالا باشند که به صورت علنی و عمومی پذیرفته شده‌اند، توزیع نابرابر اجتماعی تنها زمانی پذیرفتنی می‌شود که در جهت سود و منافع ضعیف‌ترین اقشار اجتماعی باشد؛ پذیرش عمومی و علنی اصول فوق نیز دلالت بر این امر دارد که همه افراد دیگر در عین حالی‌که همین اصول عدالت را به‌عنوان اساس ساختار اجتماعی پذیرفته‌اند، خِرد جمعی‌شان اولویت را به‌حق می‌دهد. درواقع «اصول عدالت سیاسی محدودیت‌هایی بر شیوه‌های زندگی وضع می‌کند؛ بنابراین آن مطالباتی که به‌وسیله شهروندان در جهت اهدافشان ارایه و مطرح می‌شود اگر از آن محدودیت‌ها تخطی کند هیچ اعتباری نخواهند داشت.»۳

با ارایه عدالت به‌عنوان مفهومی سیاسی و تاکید بر لزوم وجود تکثر در بین آموزه‌های مختلف در جامعه، رالز این امکان را برای خود مهیا می‌کند تا بنیان‌های یک دموکراسی لیبرال را پی‌ریزی کند، جامعه‌ای که در آن عقاید و آموزه‌های فراگیر می‌توانند، از نقطه‌نظر خود، بر قانون اساسی و اساسنامه تشکیل یک ساخت سیاسی-اجتماعی بدون آنکه از چارچوب عقیدتی‌شان خارج شوند، صحه بگذارند. مفهوم سیاسی که از این روند استخراج می‌شود، مستخرج از هیچ آموزه به‌خصوصی، از جمله لیبرالیسم و ارزش‌های حاکم بر آن نیست. انسجام سیاسی-اجتماعی مبتنی بر مفهومی سیاسی است که خود محصول توافقی خردمندانه بین آموزه‌های مختلف است. بدیهی است آن شامل آموزه‌های مذهبی که بنا بر بایدها و نبایدهای اعتقادی خود به شیوه‌ای منطقی بر توافق فوق تاکید گذاشته‌اند نیز می‌شود. این «توافق مشترک» محصول تعقل و دلیل‌آوری‌های مختلفی است، که رالز از آن به‌عنوان یک «اجماع هم‌پوشاننده» بین آموزه‌های منطقی فراگیر یاد می‌کند. «توافق هم‌پوشاننده» همراه با برداشتی سیاسی از عدالت مشترکا مفهوم لیبرالیسم سیاسی رالز را شکل می‌دهد. لیبرالیسم سیاسی درواقع زمینه سیاسی است بدون تکیه‌گاه که در آن بین منافع متمایز گروه‌های مختلفی که به نظام‌های اعتقادی متفاوتی تعلق دارند از طریق تخصیص سهم منصفانه‌ای از فضا و مجال‌های موجود بین‌شان انسجام و هارمونی ایجاد می‌شود.

«لیبرالیسم سیاسی، فرض را بر این می‌گیرد که اعمال قدرت سیاسی به‌وسیله ما تنها در زمانی مناسب قلمداد می‌شود که به‌کارگیری‌اش مطابق با قانون اساسی‌ای باشد که بنیان‌هایش به‌وسیله همه شهروندان خردمندی که آزاد و برابر هستند، در سایه اصول و ایده‌آل‌هایی که مورد پذیرش عقل سلیم و جمعی‌شان است، صحه گذاشته شده باشد.»۴ برای رالز تنها آن مفهوم سیاسی‌ای از عدالت که توانسته باشد به یک میزان از همه مسالک و آموزه‌ای فراگیر (چه مذهبی و چه غیرمذهبی) فاصله گرفته باشد، می‌تواند بنیاد چنین خردورزی جمعی‌ای قرار بگیرد که توانایی لازم برای توجیه و صحه گذاشتن بر یک ساخت سیاسی را دارد. بنابراین، ارزش‌هایی که لیبرالیسم سیاسی بر آن تاکید دارد صرفا معیارهایی سیاسی هستند که ارزش‌های معطوف به «آزادی‌های سیاسی و مدنی برابر، برابری منصفانه فرصت‌ها، روابط اقتصادی متقابل، بنیادهای احترام متقابل شهروندان نسبت به یکدیگر... و خردورزی جمعی»۵ از مهم‌ترین این ارزش‌های سیاسی هستند. این بر عهده شهروندان گذاشته شده بود که به طریقی بین این معیارها و ارزش‌های متضمن در باورها و آموزه‌های فراگیرشان ارتباط برقرار کنند. در این چارچوب لیبرالیسم سیاسی باید به‌عنوان میثاقی مربوط به روال کار یک رژیم مشروطه و قانونی‌ای در نظر گرفته شود که نسبت به هدف یا خیر نهایی که یک شهروند ممکن است برای خود انتخاب کند بی‌طرف است. اما رژیم فوق نه‌تنها نسبت به معیارهای سیاسی ذکرشده در بالا بی‌طرف نیست، بلکه مصمم است تا از اجرای این ارزش‌ها، که همیشه مورد احترام لیبرالیسم بوده اما هیچ‌گاه به صورت کامل در جامعه عینیت نیافته بود، حمایت کند. رالز اجماع هم‌پوشاننده را از مصالحه سیاسی موقتی که صرفا بنا بر ضرورت‌های تاریخی شکل می‌گیرد مجزا می‌کند. اما امکان آن است که یک توافق مصلحتی ابتدا به یک رژیم مشروطه و بعد به حکومتی مبتنی بر اجماع هم‌پوشاننده منجر شود، «فرآیند اجماع تا به آنجا پیگیری می‌شود که منجر به توافق بر سر ایده‌هایی بنیادی بشود که بتوان عدالت به‌عنوان انصاف را از آن بیرون آورد. توافق به حد کفایت عمیق فرض گرفته می‌شود تا بتوان جامعه را به‌عنوان نظام تعاونی منصفانه‌ای از شهروندان خردورز و معقول که در عین حال برابر و آزاد نیز هستند به حساب آورد.»۶ اجماع هم‌پوشاننده تنها در جامعه‌ای می‌تواند به واقعیت برسد که آن جامعه از یک سنت سیاسی قوی دموکراتیک برخوردار باشد، جامعه‌ای که در آن از کثرت‌گرایی مبتنی بر تعقل و دلیل‌آوری در روابط فی ما بین حمایت می‌شود، در این جامعه افراد خود را به‌عنوان اعضای برابر یک تعاونی سیاسی به حساب می‌آورند. به نام عدالت آنها از ایده ملت به‌عنوان جماعتی سیاسی که باهم‌بودگی‌شان بنا بر یک آموزه سیاسی از پیش‌تعیین شده تعریف شده است، چشم‌پوشی می‌کنند. آنها ملتی می‌شوند متشکل از جماعت‌های مختلف اعتقادی و هویتی که اجماع و توافقی سیاسی باهم‌بودگی‌شان را توضیح می‌دهد. در این جامعه برابری صرفا برابری در چشم قانون نیست، بلکه متضمن دسترسی برابر به امتیازات و ارزش‌های مختلف سیاسی و اجتماعی یا عدالت توزیعی نیز هست.

* عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی

پی‌نوشت‌ها:

1 - Rawls, John, A theory of Justice, Oxford: Clarendon Press, 1972.

2 - Ibid., p. 60.

3 - Rawls, John, Political liberalism, New York: Columbia University Press, 1993.

4 - Ibid., p. 137

5 - Ibid., p. 139

6 - Ibid., p. 149

لذت اراده

موجودی که آن را فروید درک کرد، آیا؟

فرامن فروید

حامد کیا

■ فروید در بخش آخرین کتاب تمدن و ملالت‌های آن توجه خاصی به وجود درونی شدن آداب در درون انسان‌ها دارد. تمدن با داشتن قواعد رفتاری سعی در درونی کردن آنها توسط انسان‌ها دارد، به طوری که تخطی از آنها باعث می‌شود فرد گنهکار شناخته شود و مورد سرزنش و مجازات قرار بگیرد. این مورد تا به امروز با عناوینی چون روح جمعی، طبقه مسلط، ساختار مسلط، ایدئولوژی، هژمونی و گفتمان مسلط مورد توجه فلسفه و جامعه‌شناسی بوده است؛ امری فراانسانی که به دنبال درونی کردن ویژگی‌های خاص خود است تا بتواند از یک امر محلی به امر جمعی و کلی دست پیدا کند.

اما مساله مناقشه‌برانگیز بر تمامی این متفکران و از جمله فروید این است که آیا چیز دیگری در طبیعت جز تلاش برای تکرار، تداوم و بقا وجود دارد؟ ما در اینجا فروید و بسیاری از متفکران را از دست خواهیم داد! مساله مورد توجه در مورد تمدن تکرار و درونی کردن عقاید نیست بلکه میزان فعال بودن بخش تحول و تغییر در جامعه است. هر تغییر و تحولی میل به تکرار خود برای بقا دارد به طوری که در صورت تحقق نیافتن آن، عقیده‌ها یا گونه‌های رفتاری صورت ابژکتیو و واقعیت خود را از دست می‌دهد. جهان به سوی تکرار و تقلید خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها در حال سپری شدن بوده است. در نتیجه نقدهایی از نوع فروید نخ‌نمایی می‌کنند. انسان آزاد مورد نظر فروید تنها در صورت درونی کردن عقایدی وجود واقعی می‌یابد و از اینجا به بعد مساله او فعال بودن در جهت ایجاد کردن شوق، راه انداختن گونه‌های مختلف تجربه و طی کردن مسیری است که باعث ورود چیزهایی به سیستم می‌شود که برای تشکیل خود سیستم همواره از آن دور نگه داشته شده‌اند. از این رو فروید و نقش نقد او بر تمدن یک همان‌گویی محض از قواعد طبیعت است بی‌آنکه خلاقیت رویکرد به موضوع را در متن زنده نگه دارد. در این باور است که مساله درونی کردن امور نیست که در نبود آن انسان وجود نمی‌یابد بلکه میزان فعال بودن و شوق داشتن به طی کردن تجربیات مختلف است و جنگیدن برای داشتن و حفظ کردن تجربیات مختلف در مسیر زندگی.

تصاویر روزمره-۲۳

امیرهوشنگ افتخاری‌راد

مسافران به حساب قانون، با یکدیگر مهربان‌اند؛ آنان در هر حرکتی از خود، مقصر یا غیرمقصر، «ببخشید و متاسفم» (sorry) ورد زبان‌شان است. ساری گفتن، نوعی سبک زندگی رام‌شده شهری بودن است. ریشه sorry از لاتین sar ،sairaz و sore، همه به معنای درد و رنج کشیدن است، همچنین sorrow به معنای سوگ، غم، اندوه و غصه از همین ریشه‌ها اخذ شده است. عابران شهرنشین که در ایستگاه‌ها و خیابان‌ها به معنای دقیق کلمه وول می‌زنند، همواره سرشتی از تاسف و سوگ پیدا کرده‌اند. حتی هنگامی که در پاب، گلویی تازه می‌کنند و می‌خندند، آمیخته‌ای از «ساری» هستند. اظهار تاسف کردن، صرفا نوعی اخلاق مراعات نیست بلکه عنصر شهری بودن (urbanity) است. به این دلیل بدل به سبک زندگی شده است. ریشه آن قانون است که با شلاق مجازات عموما نقدی، شهروندان را در خیابان‌ها رام کرده است. عابران پرشتاب از هر سو که بروند، با لبخندی متاسف هستند. در ایستگاه قطار، تقریبا در همه ساعات مسافران باید بدوند، زیرا همیشه همه چیز در آستانه عزیمت است و در این سرسام صدای پاها و مرمرهای کف و سکوت و تمرکز برای دقت به ساعات عزیمت، اظهار تاسف تنها صدای قابل شنیدن است. از این حیث، این عابران از هر طرف که بروند متاسف هستند. خطوط مسیرها همانند خطوط راه‌آهن چه‌بسا در جهات مختلف از یکدیگر دور می‌شوند. آنها موازی، متنافر و متقاطع هستند اما در یک چیز مساوی‌اند: sorry. اصل مبادله، قانون را می‌سازد. قانون برای همگان یکسان است. و به این شعار افتخار می‌کند. تمکین به آن گویای مساوات است. در هر مکان سربسته، کشیدن سیگار، ۵۰ پوند جریمه دارد. پارک کردن در مکان‌های غیرمجاز، ۶۰ پوند به‌علاوه خواباندن ماشین در پارکینگ و قس‌علیهذا. عابران با «ببخند و ببخشید» به یکدیگر احترام می‌گذارند. آنها درواقع، واجد همان ریشه sorry هستند. خوشی‌ها و هیجانات اصل مبادله، دستکاری‌شده و مصنوع هستند. مردم در خیابان هستند، به پاب می‌روند، با صدای بلند قهقهه می‌زنند، در برابر قانون تمکین می‌کنند و همواره باید متاسف باشند. لیکن این حضور در خیابان، یک سبک زندگی است. اصل مبادله، مبدع تاسف و سوگی است که وانموده احترام به دیگران است. بدل و وانموده یا شبیه‌سازی، به تعبیری، شیوه جهان معاصر است (آدورنو). واقعیت به نوعی باید وانموده شود. به‌واقع آنچه اکنون هست، جهان وانمودها و شباهت‌هاست. جودیت باتلر می‌گوید استراتژی بودریار بدل ساختن از جهان است؛ ایجاد بازنمایی‌ای که در تحقق خودش، به هل دادن منطق سیستم به سمت نقطه معکوس‌اش کمک می‌کند. (بودریار و رسانه، ویلیام مرین، ص۴۳) اصل مبادله، مستلزم این بدل‌سازی است و قانون می‌تواند بدل واقعیت را بسازد: اصل نوع‌دوستی فرضا به منزله یک واقعیت کلی و همه‌شمول، باید به گونه‌ای وانموده و بدلی در جامعه مدرن وارد شود. عدم احترام به یکدیگر در جامعه مجازات پرداخت نقدی یا اشکال دیگر دارد. هر ماشینی هنگام عبور از خط عابر پیاده، حق تقدم را باید او دهد، با لبخند و حرکت دست در حکم «بفرمایید». نقض آن جریمه نقدی دارد، حال در روزهای بارانی در جاهایی که چاله وجود دارد، ماشین‌ها بی‌پروا عبور می‌کنند بی‌اعتنا به عابری در کنار خیابان یا پیاده‌رو. آب پاشیدن بر عابر جریمه ندارد. و اصل بشردوستانه احترام به دیگری در اینجا تنها وانموده‌ای از واقعیت می‌شود زیرا جریمه‌ای در کار نیست و قانون درخصوص آن مسکوت است. در این مورد حتی تاسف هم وجود ندارد. آنچه هست بدلی از واقعیت است. عابران پرشتاب از کنار هم عبور می‌کنند و وانموده‌هایی را تحت اصل مبادله، با هم رد و بدل می‌کنند؛ از لبخند گرفته تا پول. چرا واقعیت نمی‌تواند خودش، خودش را بیان کند؟ زیرا در این صورت اصل ارزش-افزوده ورشکسته می‌شد. طبق آن، هر چیزی باید چیزی بیشتر از خود را حمل کند که در اصل مبادله ذخیره می‌شود. در اصل مبادله حامل ارزش-افزوده، بی‌واسطگی معیار است زیرا اگر واسطه‌ای باشد، امر اضافی در آن حمل می‌شود نه در گردش مبادله. هر چیزی واجد یک وانموده است و در جامعه موجود، اصل بر این وانموده است. وانموده احترام وجود دارد به جای اینکه احترام وجود داشته باشد برای همین قانون باید این وانموده را مورد حمایت قرار دهد. هر عابری برای هر چیز sorry می‌گوید. این اظهار تاسف همیشگی، وانموده‌ای از احترام، نوعی احساس گناه نخستین اسطوره‌ای است. گناهکار اسطوره‌ای برای ورود به قانون مدنیت همچون سنگ سیزیف باید این تاسف را به خاطر داشته باشد برای همین تبدیل به سبک زندگی می‌شود. همچنان که مجرم آزادشده به طور مشروط هر روز یا هر هفته باید پاسگاه محل زندگی خود را معرفی کند و امضا کند تا مجرمیت خود را به یاد داشته باشد. عابران نیز بی‌وقفه با امضای تاسف در لبخندی، خود را معرفی می‌کنند. آنها درواقع می‌گویند I am sorry من گناهکارهستم!

جدول ۱۴۱۱

افقی:

۱- اثر هوارد فاست- پادشاه ماردوش ۲- بی‌اسم و نشان- دستور، حکم- دستور زبان ۳- رودی در عراق- دندانه چرخ- نمادین ۴- تله ماهی‌گیر- ریسمان- از مواد دفعی بدن- تکرار حرف دوازدهم ۵- سد خوزستان- ظرف حلبی- بنجل ۶- اختراع نوبل- باد پر گرد و خاک ۷- چیز- چوبه دستی- پست فطرت ۸- همبازی جری- نخست- محلی درخانه خدا- بیماری مسری ۹- بیباک- تماشایی- حرف انتخاب ۱۰- وفا کردن به عهد- کویر ۱۱- صاحب اندیشه- پسر- من و تو ۱۲- فرمان اتومبیل- موهبت- صدا، صوت- بازی کردن ۱۳- سروده ویرژیل- مذهب، آیین- پدر ۱۴- دختر بی‌پدر- تصویه‌کننده آشپزخانه نشین- سبک عمومی نقاشیهای رامبراند ۱۵- از سبزی‌های معطر- نویسنده فرانسوی که به دین مبین اسلام گرویده

عمودی:

۱- تعجب کردن- گناهها ۲- روزی که در آنیم- اتحادیه شرکت‌های هواپیمایی- چراغ پایه‌دار ۳- کوهی در خوزستان- از سیارات- چشم چران ۴- شکست خورده در شطرنج- همکار مهره- کتابی از ناصر خسرو ۵- ظرف سفالی بزرگ- تهی دست- دعاها ۶- بزرگ‌ترین بنای جهان- یاری‌دهنده ۷- واحد طول انگلیس- ثروت- ورزش آبی- خدای دراویش ۸- ظرف مرکب- اشاره به نزدیک- محصول آتش- حالتی از آینه ۹- یکی از دو جنس- از افعال ربطی -ایستگاه فضایی روسیه -رأی و عقیده ۱۰- بازار- کهنه پوش ۱۱- کجرو و منحرف- گوشه نشینی- حرف مشایعت ۱۲- اثری از «ساگان»- دوست و همدم- دفعه ۱۳- اینک- نوعی اسباب بازی- کرم حشره ۱۴- فرمانروا- مادر بزرگ- مورد پرستش ۱۵- پرده تاشو- حرکتی در جودو

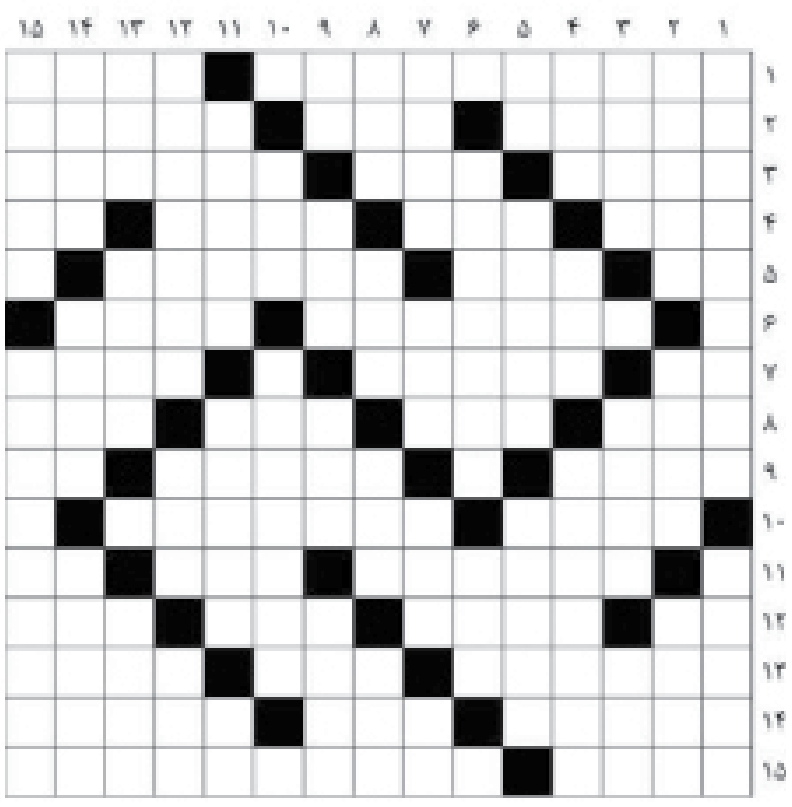

حل جدول ۱۴۱۰

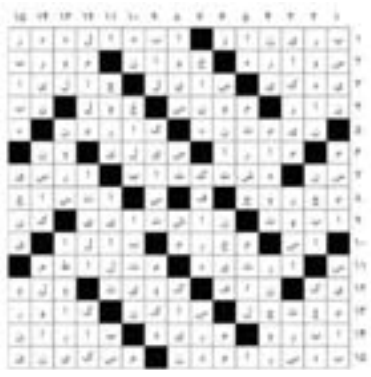

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۴۱۴

۳	۸	۲	۹		۱	۶		۴
۹		۵		۶	۸			
	۲	۱	۴			۳	۹	
۶	۹	۷	۶			۸		۷
۱		۸	۱	۳	۲	۴		۸
۲		۳			۴			

حل سودوکو ۴۱۳

۹	۴	۳	۵	۲	۸	۱	۷	۶
۷	۶	۸	۹	۱	۳	۵	۴	۲
۵	۲	۱	۴	۷	۶	۹	۳	۸
۸	۵	۹	۱	۳	۷	۲	۶	۴
۳	۱	۶	۸	۹	۴	۷	۲	۵
۴	۸	۲	۳	۶	۵	۱	۹	۷
۶	۹	۵	۷	۴	۱	۳	۸	۲
۱	۷	۴	۶	۸	۹	۲	۵	۳
۲	۳	۷	۲	۵	۹	۶	۱	۸

سودوکو سخت ۶۲

	۱	۹	۷		۲		۸	
		۶	۵			۷		۲
		۱		۲	۷			۳
				۹			۴	۷
	۵		۳		۶	۱		
۵	۶	۴						
۹		۲	۴					
	۳	۸		۵				
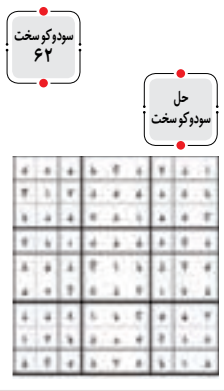
حل سودوکو سخت